

آمریکا جانشین انگلستان می شود*

قضیه جوانرود و شروع جنگ خانگی در نواحی کرمانشاه و مرز عراق یکبار دیگر نشان داد که بیگانگان به هیچ وجه مایل نیستند بساط خان خانی و ملوک الطوائفی در ایران بر چیده شود:

تاریخ نشان می دهد که هر وقت خارجیان نظری داشته اند و این نظر از طرف دست نشانندگانشان در مرکز تأمین نمی شد فوری به حربه ناجوانمردانه تحریک عشایر دست زده و آنها را به جان سایر هم میهنان ایرانی انداخته و جنگ خانگی بر پا می کنند. دولت فحیمه انگلستان در این امر سابقه زیاد دارد، در تمام نه سال بعد از شهریور هر بلوا و اغتشاشی در آنجا روی داد، زیر سر انگلیسیها بوده است و اگر هم نبوده انگلستان آنقدر امتحان بد داده که اگر از یک بچه هم پرسید حقیقت فلان قضیه چیست فوری جواب می دهد، بالاخره کار انگلیسیهاست، فاجعه سمیرم، قیام قشقایها، نهضت جنوب و سایر بلوهای عشایری همیشه از طرف مأمورین انگلیسی ایجاد می شده است و در این موضوع هیچ کس شکی ندارد. نهضت جنوب که در ۱۳۲۵ زمان کابینه قوام تهیه شد درست موقعی بود که قوام السلطنه برای مذاکره با روسها شروع به کار کرده بودند.

این دیگر قاعده شده است که هر وقت نخست وزیر برای استقرار روابط حسنه میان شوروی و ایران فعالیت کند فوراً از طرف جنوب تهدید به اغتشاش می شود، اکنون هم که رزم آرا! برای افتتاح باب روابط بازرگانی با شوروی فعالیت می کند مصادف با همیت تحریکات

*. فردوسی - شماره ۵۶ - سال ۱۳۲۹

خارجیان گردیده است منتهی نه با دست انگلیس بلکه با دست آمریکا. همین چند روز قبل روزنامه ها خبر دادند که میان قوای دولتی که برای خلع سلاح عشایر رفته بودند با عشایر جوانرود زد و خورد در گرفته و دامنه این زد و خورد به آنجا کشیده شده است که دولت هواپیماهای بمب افکن به آنجا گسیل داشته و عشایر جوانرود را بمباران کرده است. ظاهراً علت این اغتشاش و بلوا را این طور ذکر می کنند که چون عشایر جوانرود به علت مزاحمتی که عشایر همجوار برای آنها فراهم کرده بودند حاضر به خلع سلاح نمی شدند، دولت هم ناچار شد متوسل به زور و اقدام به حمله مسلحانه نماید و در این جنگ خانگی همانطور که نوشته اند هواپیماهای بمب افکن سنگین هم شرکت دارد.

این ظاهر قضیه است و البته اگر حقیقت را بخواهیم باید آن را میان دستهای بیگانگان جستجو کنیم چه این نوع بلواها همیشه زیر سر خارجیان می باشد آنچه مسلم می باشد این است که در خاورمیانه و همچنین اغلب نقاط جهان چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی آمریکا جای انگلستان را گرفته است و همان رویه ای را ادامه می دهد که انگلستان سابقه داشته و انجام می داده است. برای کسانی که ناظر جریانهای مختلف سیاسی چند هفته اخیر بوده اند این بلوا و با نظیر این اتفاقات بعید به نظر نمی رسد زیرا مسافرت ویلیام دوگلاس قاضی عالی رتبه امریکایی

به ایران به نام کوه‌نوردی برای همه کس غیر قابل قبول بود وقتی خبر رسید که این آقای کوه‌نورد سر از ایلات و عشایر کردستان و قشقای بدر آورده تقریباً بر همه کس مسلم شد که فعالیت‌هایی در کار است منتهی تا این حد تصور نمی‌رفت که نتیجه این مسافرت این قدر آنی و فوری باشد چه درست چهار روز پس از مسافرت ویلیام دوگلاس به لرستان این حوادث پیش آمده است. اخیراً خود این منابعی که این جریانها را ساخته و این حوادث شوم را به وجود آورده‌اند چنین شایعه ساخته‌اند که قضیه اغتشاش جوانرودی‌ها با قضیه کردستان بزرگ و با نهضت کردستان آزاد بستگی دارد، بدیهی است انتشاردهندگان این خبر نظری جزء تیرگی روابط ایران و شوروی ندارند و شاید هم این اغتشاش برای آن ایجاد شده متعاقب آن، این انتشارات پخش می‌شود که از ادامه مذاکرات در باب روابط تجاری ایران و شوروی جلوگیری به عمل آید و اگر منصفانه قضاوت کنیم از قراین پیدا است که دست آمریکا در این اغتشاش بیشتر وارد است تا انگلستان زیرا گذشته از مسائل مسافرت ویلیام دوگلاس خبر ورود یک کشتی امریکایی حامل اسلحه به آبهای بوشهر برای دادن اسلحه به عشایر و زد و خورد آنها با تفنگداران ایرانی هم موید این نظریه است و می‌رساند که دولت آمریکا ابتدا با افتتاح روابط بازرگانی ایران و شوروی

موافق نیست دست به اقدام زده و لازم است که به این وسیله، از ادامه مذاکرات جلوگیری نماید. آنچه مسلم است هم افراد عشایر جوانرود که در این جنگ خانگی در زیر آتش های دولتی کشته می‌شوند هم سربازان ایرانی که جان خود را فدا می‌نمایند هر دو قربانی سیاستهای شوم بیگانگان شده‌اند و در اینجا ناچاریم صریحاً بنویسیم که سیاست آمریکا در ایران کاملاً شکست خورده و آن محبوبیتی را که داشته از دست داده است زیرا تا آنجا که تحقیق شده است هیچکس قضیه بلوا و اغتشاش عشایر جوانرود را با مسافرت ویلیام دوگلاس به ایران و بالنتیجه سیاست آمریکایی بی‌ارتباط نمی‌داند.

دولت آمریکا با این عمل نشان داد که همان روش قدیمی و پوسیده «تفرقه بیانداز و حکومت کن» انگلیسیها را در پیش گرفته است و یقیناً از ادامه این روند همان نتایجی عایدش خواهد شد که نصیب انگلیسیها گردید.

ملت ایران دیگر دست همه خارجیها را خوانده است و می‌داند یقه‌درانی‌های آنها برای ایران روی چه منظوری است و دیگر حنای آنها میان ملت ایران رنگ ندارد.

اگر آمریکا میل دارد، ایران را هم مانند کره به جبهه جنگ خانگی تبدیل کرده و از این نفرقه برای منظوره‌های سیاسی استفاده کند، یقین بدانند که در این امر موفق نخواهد شد، زیرا ملت ایران هر قدر بی‌حال باشد وقتی پای استقلال به میان آید تا آخرین نفس مبارزه خواهد نمود و همان طوری که تا کنون این نوع بلواهای عشایری نتوانسته است شیرازه استقلال ایران را از هم بپاشد از این به بعد هم تحریکات آمریکاییان در قضیه بلوا و اغتشاش عشایر نخواهد توانست آزادی ایرانیان را بگیرد.